

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آذربایجان از خنجهستامات او بامی دین
 علیه و مراقبت از آب شرف الا مؤید الدوله حکمران مملکت فارس در نهایت نظام است و بانمود
 رعایا و براباد انجام خدمات بویان کمال رسیدگی بنمایند و اما آئی نولایت در نهایت است و او کی
 بدعا کونی ذات اقدس جان شایسته ای ششالی دارند دیگر نوشته اند که در او از جهادی لاد
 دو، زو کیش چنان برنی بارید و سرمانی شد که خلق از خانه دروغ از شبانه مجال حرکت
 نداشتند در پاره جانها فریب به نیم فرج و در پاره انگنفسه بر نیم فرج نشسته بنهال مرکبات صد
 زباد زده و لیکن آب چشمه ساربا و کاربزه با همه مایه گرفت و گشت مایه سیرایه بافت
 دیگر نوشته اند در این اوقات عمده الامراء اعظام معرتب الخاقان بنجاع الملک سردار عساکر منصوره
 جدید منع در انجام خدمات محکم بخود و دارند و استمرار آسج و عظمه در دیوانخانه نظام نشسته بانمودن کتبه جزیه
 نظام و نورخانه و غیره رسیدگی دارند خاصه در باب اخذ سرانکه با وجود پیشانی عموم مردم خالی اشکال
 نیست چنان بفرزانی در و باری بنای این کار را که نوشته اند که هر کس سران زبده خود را بخوشی و خوبی داده
 و میدید و در تقسیم سربازیم احدی را بر نسیم خود ترجیح نداده اند و عا فریب نامانمی بوج از
 جوانان کار آمد معتبر تمام خواهند

۲۴۵۹

دیگر نوشته اند در این ایام شبکام ما و بانی از خانه عالی شان سیر احمد حسین باجرا بو شهر می
 سرفت کرده بودند و مشارالیه هر چه فتنه نموده اثری از دزد و مادبان یافت از اتفاقات حسن
 خود و زبیر انصاف آمده بعد از چند شب نیشی و بان را آورده بدرب خانیستارالست
 و از پی کار خود رفت دیگر نوشته اند فاطران معرتب الخاقان عمده الامراء اعظام بنجاع الملک
 در مرتبت از در ایجاد بر داری از تجار دستگیر شده بک فاطران آن جمله که بارش مبلغ کلی ریال بوده
 و بر دو مترلی شیر از صفود شده بود و بعد از یکروز بدلات شخصی پیدا شده و اماست بخت ر
 تند آمد بدون عیب و نقص بصاحبش رسید

دیگر نوشته اند از سواره نظام جمعی معرتب الخاقان سلیمان خان میرنج الی عالی فریب چهار صد نفر و اردو شرا
 شده و بقیه در بهمان در نزد سرتی الیه بر سر خدمت اند و قرار سرکار نوازشک مؤید الدوله در این است
 که با قصد نفرات سر باز فرج قشائی که از او صنایع بهمان بلدت داده نام و رب خا آنجا نموده
 معرتب الخاقان سیر بیخ را چهار نامه

آدم در آن صفحات مال مردم را پردهم از جمله مال شهیدی که در پسر حاجی علی بود و بعضی از سهامی ساریتین مذکور بود پس از آنکه بر زمین پسران جدر و جاده و سایرین بویتم ایگه مبادا کعبت را بعضی ادیای دولت بودن عدالت سببان برسانند کج بنه خود ساز از زمین مزبورین برداشته رفته در قریه مالوچه من قراء استند آباء و کرسنان ساکن شده اند

در باب سنگ سعاد و لایت نیم ذرع بر آزی کویا در خاک مغرب النافان چرخ علی خان رسایند ه بودند که کعبه نقلت میکنند یا اینکه خود نیز چیزی نمیداد بوده است یکروز و سنند بفرار است نغز از قهر و صغرا از شهر رنجان جمع کردند بهارت و دیوانخانه رنجان آوردند بر یکت بکهار دینار پول داده هر یک را یکت گان جتازی و سنساده بکن دو من نان گرفته بدیوانخانه آوردند و بعضی را هم رساند در دکانهای نقالی میان بازار و سر کوه چها هر یکی چیزی گرفتند بدیوانخانه آوردند در اوقات حکومت صفهان سیک از قریه آنجا صفهان گرفته و موجود بوده است سنگ همه اصناف با آن سنگ موازنه کردست هر یکی که در دست بود او را نوارش کرده و دهکات نموده روانه نمود آنا که از صف جتاز و نقال علف حیره سنگان که آرد آنها را پخته کرده و در شان پنجره از دینار خدستانه گرفته نیز المرامی از آنها گرفت که اگر من بعد را یکتقال از سنگت فروش کسرا بنید با اینکه سنگی که از مردم چیز نمونند زیاد است به مبلغ پنجمان بدیوان اعلی ادنی باشند و همچنین در باب سعاد بر آزی نیم ذرع درستی کار است و بضر نام ژدینی را که هسه با نیم ذرع بر آزان و کربس فرودشان بر آورد نموده نیم ذرع هر کسی که کسرتش مورد محبت نوارش شدند و الا مورد پشه کشته از آنها نیز المرام گرفتند که اگر در وقت جنس خریدن جنس تریزدت فرودن جنس سایر ولایت بفرودشند بر یکت پنجمان بدیوان اعلی ادنی باشند خرید و فروش سادی باشد و در وقت هم بی انصافی نمایند و در اینخصوص همه سنیها و قرا و ساکنین ساکنین ولایت حقه عموماً بدعا گوئی دولت قویوکت فایر ششغال است و میدارند و بگوشند اند هوای حقه شدنی سرو است که مردمان مشقت و جهاد و ماده حقه طارم بگویند در وقت عمر خودمان ای ولایت را با این طریق ندیده بودیم از فراری که از اطراف جوانب جز میرسد هر روز در کوه و سایر عوض راه از هر طرف دو نفره نفر از مدت مسوا و کولک از بسیاری کف باران تلف میشود و آب سفید رود مشهور بغزل آوزن آنچنان طغیان کرد که عبور مردم باله مسدود شده بود بدین آن بطوری رخ کرد که هب فاطر بار دار بگذشت بیخ نمی گشت که کجوتی نگشته بود و نفر آدم دست چهار رهنش فاطر بار دار بر پنج رفته آب برده بود

۲۲۶۱

اجبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده و نوشته شود
 از قراریکه در روزنامه بر بسته بکرات نوشته بودند اعلیحضرت قوال بر حسب بجهت اینکه بر خشان
 علیل بود در ضمن تبدیل آب به آب بنوش و بعد خود را موقوفه نماند سه ماه بجا
 خود بقایم مقامی نصب نموده بودند در این اوقات بموجب روزنامه های پرلین پاریس تحت
 پروکسبه چون سن قوال بر پوس سپارست و کمال ضعف مزاج او غلبه دارد لهذا بعد
 این زمان حکومت دولت پروکسبه صالته بنواب پرس محول خواهد بود

بوجوب روزنامه های ناپولی در سیم شهر جمادی الاوّل در ناپولی خصوصاً در ایالت سیلیمانه
 که در جهت جنوبی ناپولی واقع است در شهرهای همالرنه و فوزنسه و قرامی آنجا زلزله شد بدسبب
 واقعه و اهالی آنجا از کمال خوف و حشمت بعضی کشتیها فرار کرده و بعضی پایانی شده اند
 و جنسی خرابی ایمنه و غارات آنجا رسیده است و بقدرست و پنجه اکیس تلف شده اند و
 ما بقی نیز که سلامت مانده اند جا و منزل گذران ندارند بجهت نادرک خسارت آنها از جانب
 دولت ناپولی چادرها ارسال شده و جمعی عمده بجهت ساختن بنا امر کرده است و آذوقه بجهت آنها
 و ستاده است از قراریکه نوشته اند از بهار سال قبل از این تا کنون آنطور زلزله در ایالت
 وقوع یافته بود دیگر نوشته اند که در این زلزله در دولت پوریکر نیز متعاقباً چند زلزله
 اتفاق افتاده است بطوریکه در آنجا نیز نه تنها است که آنطور زلزله وقوع یافته بود
 از قراریکه در روزنامه جریده اسخاوت سلابول از روزنامه لندن نقل نموده اند از جمله
 سرگردان باغبان بنده نامه صاحب نام که با انگلیسهای آنجا با انواع فصاحت هتبار کرده
 و عساکر انگلیس را که در فافون پور که بکنا و مشهور است بودند باعمال آنها با انواع بی رحمی
 بقتل رسانده و این حرکات متسخر او بواسطه روزنامهها در کل فرنگستان مشهور گردیده در
 این اوقات صورت او را در لندن کشیده و چاپ کرده اند و هر عددی سه هزار دینار
 بفروشن رسانده و نخواه آنرا در حق عساکر و سیه که در فرم در احوال سابقه زخمی شده اند اعطا
 نموده اند (دیگر نوشته اند که بجهت زیاد کردن راه آهن در مملکت اسوج در این اوقات از دولت
 مزبور نامورین بلژن و پاریس ارسال شده است که تحقیق نماید که آلات ساختن راه آهن
 کدام یک از دولتین مزبور دیگری است که با آن آلات شروع بساختن راه آهن نمایند

۲۴۶۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم بیستم رجب المبارک سن ۱۲۷۴



اخبار و حنده مالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

سرکار عالی حضرت آقا سید یون شاهنشاهی ابدالعیش و اید الله جیشم چنانچه در روزنامه منقده
سطور کرده در کن و سولقان تشریف دارند و هوای تهران بسیار خوب و با اعتدال است و روزنامه را
سوار شده در شکارگاههای آن اطراف بفرج و شکار شغولی میفرمایند و بر وجود فانیض وجود آقا سید یون
بسیار خوش گذسته و جناب شرف انجدار فرخ چشم صدر اعظم و مقربان حضرت و بر خدم و حشم که
مترجم و کاتب و سیر و زی انساب استند بسیار خوشوقت میباشند و از فرار مذکور موکب یون بجهت عبود مولود
امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام معاودت بدار اختلاف الباهره و معتزلطنت عظمی خوانند فرمودند
هوای دار اختلاف طهران در کمال خوبی و اعتدال است و درین چند روزه دوسه دفعه برف خوب آمد
ولی چون صولت برودت هوا سنگین است در صبحگاه و صحرای و امی نمود و باران غالب روزنامه می
و هر وقت هم که بارندگی نمی شود هوای با از ترشح جزوی دارد و بجهت مراقبت نواب مستطاب شرف و
مجتهد تقی میرزا حکمران دار اختلاف طهران و معتز بنخاقان سیر ز موسی وزیر و سران و صاحب منصبان نظام
و سایر چاکران دیوانی نهایت اغیث در دار اختلاف طهران حاصل است (چون ساله کام غریب محتاج
بطواف بیت الله احرام عالیجناب خیر الحاج حاجی میر سید الدین چاوشی باشی بی بازار آمده مردم را زیارت
بیت الله احرام اخبار و اعلام نماید در این اوقات نیز بقانون مقرره ساله عالیجناب شرف المجلد کجا
وزینت و آرایش بطور خاص که باعث ازدیاد شوق حاج بود داده بی بازار ما و محلات برآمد مردم را زیارت
مکه معتقد اخبار نمود که از راه تبریز از روزه الروم عازم زیارت باشند و درین چند روز محتاج از دار اختلاف طهران

۲۲۶۳

در این اوقات از جانب مأمورین دولت علییه که در ولایات خارجیه مستقر بودند و نوشتجات رسیده
 کیفیت فوت رشید مصطفی پاشا صدر اعظم دولت علییه عثمانیه را نوشته بودند نظر بر اینکه مرحوم
 در مکارم اخلاق و محامد اوصاف سجد کمال و در بهر حال خیر خواه دین و دولت بود اولیای دولت علییه
 کمال خزن و تاسف از فوت آن مرحوم حاصل آمد و در روزنامه جدیدیه ایحادیست منطبقه اسلامبول
 کیفیت حالات او را بتفصیل نوشته اند از ترجمه آن درین روزنامه اختصاراً نوشته میشود مرحوم
 مشارالیه از صلب مرحوم مصطفی اقدسی روزنامه چی جنت مکان غازی سلطان با یزید خان و در شهر شوال
 ۱۲۱۴ با بعوضه وجود نهاد در عنقوان شبابش با مرحوم علی پاشا صدر اعظم سابق که قرابت قریبه داشت
 بعضی ایالات را کرده و در آنجا از آن در مقدمه یونان که علی پاشا عسکر بود مشارالیه منصب
 و میت او بود بعد از معاودت اسلامبول در دفتر مکاتب صدارت مأمور گردید با قضای و کادوت و قطا
 فخری خود در اندک زمانی بین الاقرا ن مشارالیه بان گردید و متوجه ترقیات از برای او حاصل شد
 تا در سنه ۱۲۳۶ در مأموریت مرحوم پرتو پاشا یاراده سینه بهر ای ای مأمور مصر گردید و در سنه ۱۲۳۹ بعنوان
 وسط پاریس مأمور شد بعد از چندی موقتاً معاودت با اسلامبول نمود و در سنه ۱۲۵۱ بعنوان ایچی کبری کسری
 معاودت نمود و در سنه ۱۲۵۲ با سفارت از پاریس مأمور بلژیک گردید و در سنه ۱۲۵۳ بر تیه وزارت امور خارجه
 و پاشائی سرافراز شده باز مأمور پاریس گردید و باز در سنه ۱۲۵۴ در حالتی که منصب نظارت سرافراز بود
 موقتاً سفارت لندن مأمور شد و در سنه ۱۲۵۵ متعاقب مجلس اعلی حضرت سلطانی با اسلامبول معاودت کرد
 و در سنه ۱۲۵۷ در صورتیکه منصب نظارت خارج را داشت نوبت چهارم سفارت پاریس مأمور گردید و در سنه
 که از سفارت پاریس معاودت کرده بود در ۱۲۵۹ بوالیکری آرزنده مأمور چون در اینجا استخراج
 بهم رسانید نوبت پنجم سفارت پاریس مأمور شد و در سنه ۱۲۶۱ تا نیا منصب نظارت خارج سرافراز شد
 و در همان سال در ۷ شهر شوال بمقام والای وکالت مطلقه رسید و در جمادی الاول ۱۲۶۴ از صدات
 مفارقت و بریاست مجالس عالییه مأموریت بهم رسانید و باز در سنه مذکوره در ماه رمضان ثانیاً بمقام وکالت
 کبری سرافراز شد و در سنه ۱۲۶۱ با فاصله دو روز که از صدات منقض شده بود بریاست مجلس والای مأموریت
 بهم رسانید و بعد با فاصله چهل روز تا ثانیاً بر تیه وکالت مطلقه رسید و در شهر شوال همان سال از آن مقام
 بهم رسانید چندی در خانه خود مأمور آرام و اقامت نمود و در شهر شوال ۱۲۶۹ تا ثانیاً بمقام نظارت خارج
 و متعاقب آن در مرتبه چهارم بازنسند والای صدارت ممکن گردید و مؤخرآ در وقوع انفصال از آن مرتبه
 چندی باز مأموراً و در خانه خود اقامت کرده و در پنجم مقام والای مذکور سرافراز شد و بعد از انفصال از

۲۴۶۲

آن مقام چندی بریاست مجلس تنفیذات نامور گشته و متعاقباً در هفتم ششم بمقام وکالت گیری شرفیاب شد
 در ۱۲ ماه جمادی الاول ۱۲۷۴ در روز پنجشنبه با خوشی که چند روز قبل داشت و اهل مشغول مجلس
 او بودند ازین جهان در گذشت و جنازه او را بعد از غسل و تکفین با کمال اعزاز و احترام هر روز
 جمعه بروشته در مسجد جامع سلطان بازید بعد از ادای هملوه جمعه در حالتی که امتداد ایام
 دولت علیه عثمانیه حاضر بودند نماز او را گذارده بعد از آن در محل مخصوصی که برای مدفن خود
 معین کرده بود او را دفن نمودند و از اینکه در زمان زندگانی خیرات و مبرات و احسان بفقرا
 از او بسیار ظهور یافته و در دولت و ملت مساعی جمیده بعمل آورده بود فقیر و غنی از فواید
 اظهار کمال خزن و تأسف نمیدند او را با یحسان از قراریکه در روزنامه خوی نوشته
 نواب کامیاب محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلاطین سببه انتظام امور محالات و بلوکات
 اولایت مجال چای پاره رفته و نواب در باب میرزا اور خوی نایب الحکومه گداشته
 و نواب مغزی الیه در نظم امر شهر و محلات و امنیت شهر و انتظام کز مه و قراول و معهود
 رعایا و براب و رفاه حال آنها و انجام خدمات و دیانت دیوانی کمال مراقبت و اهتمام را
 بعمل می آورد و سببه کمال مراقبت نواب مغزی الیه سرفقت و شراکت بسیار کم اتفاق
 می افتد و اگر نسبت عدوی و هرزگی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن بر می آید و همچنین
 نواب کامیاب محمد رحیم میرزا که سببه نظم بلوکات و سرحدات رفته اند امور آن سرحدات
 بسیار منظم نموده اند و کمال امنیت در طرق و شوارع بهم رسیده قوافل و متروکین
 با نهایت اطمینان و خاطر بسیج عبور و مرور مینمایند و دست لطاول و زد و قطاع الطریق
 بجلی از آن راهها کوتاه است و کسی قدرت هرزگی و دست اندازی بمال قوافل و متروکین
 ندارد و در هر یک از راهها سواره مستحفظ گذاشته اند و مستحظین حسب حکم نواب مغزی الیه
 کمال محافظت و مراقبت را بعمل می آورند (دیگر نوشته اند که در فریه نوانی یک نفر رعیت زن
 تنبیه و تاویب نموده بود برادرش سببیت خواهر خود بر آمده آن شخص را بضرر چوب مقتول
 نموده بود مراتب بعرض نواب نایب الحکومه رسیده فرستاده قاتل را باورثه مقتول حاضر نمودند
 چون در نتیجه مقتول بقصاص قاتل راضی نشدند نواب مغزی الیه طرفین را بمحضرت جناب
 آقای میرصادق سید الله تعالی فرستاده بصواب بد جناب شار الیه دیت مقتول یکصد پنجاه
 تومان قرار یافت که از قاتل گرفته بپورته مقتول تسلیم نمایند

۲۴۶۵

دو نفر شاگرد مکاری که با تجارتی از ارزنده مردم می آوردند در راه با تاجرا کثرت یافتند
 ساعت و قدری در محیره مرتب کرده بودند صاحب مال مراتب را بنویسند کما یاب محمد حرم میرزا عرض نمود
 نواب معزنی او را محصل فرستادند ساعتها را که در نزد یک نفر شاگرد مکاری که در فرقیه ترمین مجال
 سلمی ساکن بود بعینها مسترد و بصاحبش تسلیم نمود و بنحیره ناماشا کرد مکاری دیگر که ساکن مجال اردو
 بوده بود بجایگاه فتحعلی خان حاکم اردوئی و از اب نوشتند که گرفته بصاحبش تسلیم نماید (دیگر نوشتند
 که شاطرا ابراهیم نام عارض شد که شب دزدخانه من آمده و آنچه دهمشتم ام برد است نواب معزنی
 بداروغه قدغن اکید نمود که اموال مسروقه را پیدا نماید مشا را لیه در مقام تفحص برآید معلوم کرد
 که زن خود شاطرا ابراهیم مرتکب این سرقت گردیده است اموال مسروقه تمامه از او مسترد و بصاحب
 مال تسلیم گردید **کرمان** از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند امور آولانیه حسن
 مراقبت مقرب انخاقان امیر الامراء العظام سپهدار قرین است در عایاد و برابا اسوده خاطر
 به عاگونی ذات اقدس بکایون شاهنشاهی اشتغال دارند و خود هر روزه در دیوانخانه شش لغز
 دوا در عایاد و انجام مهمات دیوانی کمال دقت و رسیدگی میباید و مقرب انخاقان میرزا محمد مستوفی دیوان
 و پیشکار آولانیه حسب حکم امیر الامراء العظام سپهدار هر روز از طلوع آفتاب الی ساعت ایش
 که شش با مستوفیان و مباشرین آولانیه مجاملات و محاسبات دیوانی و داد و ستد و
 و انجام بروات دیوانی اتمام و رسیدگی کامل مینماید و کمال فراوانی و وفور نعمت در آولانیه
 حاصل است چندی قبل بجهت عدم بارندگی اهل آولانیه فی انجمله تیسرین حکم سال داشتند ولی بعد از آنکه
 شدید در بلوکات آمده و بارندگی کامل شد کمال امیدواری برای صاحبان املاک و زراعت
 حاصل گردید (دیگر نوشتند که چون شال باهنای کرمان شال سه ذرع تمام منی بافتند و در خوبی
 فماش شال نیز چنانچه باید وقت و اتمام نمیکردند مراتب بعرض انمای دولت علیه رسید با امیر الامراء
 سپهدار نوشتند که درین باب قدغن نماید که شال بافان شال ناقص و بد فماش نبافند
 امیر الامراء العظام مشا را لیه حسب الامراء و لبای دولت علیه جماعت شال باف را حو است و الامراء
 از امکی استخوان آنها گرفت که بعد ازین شال سه ذرع تمام در کار خانات با تمام بر
 و نیز دقت و در خوبی فماش شال نمایند و انشاء الله بعد ازین از حسن مراقبت اولبای
 دولت علیه در عمل شال بافی کرمان وقت خواهد شد و شالهای سبکین خوب که کمال
 اعتبار او داشته باشد از کارخانه بیرون آید

۲۳۶۶

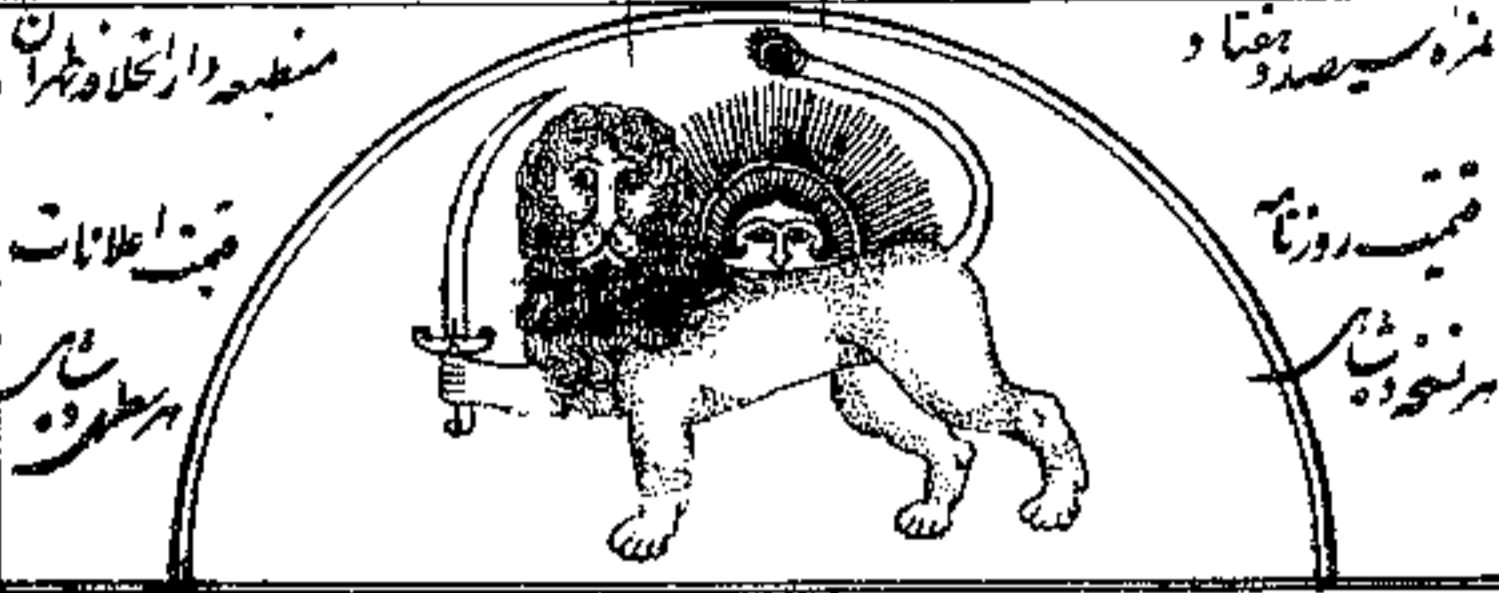
اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته میشود
 گذارش زلزله که در ناپولی و در شهرهای اسپلیت و صالرنه که در جهه جنوبی ناپولی واقع است اتفاق افتاده و خرابی بسیار رسانده و اما لی آنجا از شدت خوف و اضطراب بعضی بلنگرکا هم فرار کرده
 و بعضی در صحرا متواری شده و از عمارات و ابنیه موجوده خیلی خراب کرده و میت پنجه را کس بعضی
 تلف آید بودند در روزنامه هفتگی که شش تلمی شده بود موجب روزنامه که بعد رسید که شش
 از شهرهای نروید و در شهرهای پوله و برسیان و اوله تا و لاغونفره و میت نصب دیگر زلزله بشدت ظهور
 کرده و چون در آن شهرها و قبضات صحبت زیاد بود چنانکه در هر یک از قبضات مذکوره لا اقل
 چهار پنجه از شش کتی داشته اند از کمال شدت کشتن ارض خیلی بناهای موجوده ناکاه منهدم کرده
 و بسیاری از اما لی آنجا در زیر آبار خرابی مانده و تلف شده اند و آنها که جان بدر برده اند
 قادر بر بیرون آوردن لعش اموات از زیر خرابی عمارات نگردیده اند سخته دفع اضطراب اما لی موجود
 از جانب دولت ناپولی مان و آرد و سایر آذوقه و چادرها با آنجا فرستاده شده و درین اوقات
 سخته بیرون آوردن لعش اموات اعسا کرد دولت ناپولی خیلی نفقات با آنجا روانه کرده اند
 و از جانب و کلا و مامورین ناپولی وجه امانه برای آنجا جمع میشود (دیگر از فرار روزنامه
 ناپولی که نوشته اند که سوزنده ناپولی که چندی سنگ و فلز که ملخته مانند آب از او جاری
 شده و خرابی بسیار با طرف رسانده و باز مدتی خاموش شده بود بعد از وقوع این زلزله
 بقاصد چهار روز ناکاه بنای ششانی نموده و مانند سابق فلزات که اخته از کوه نر بود
 جاری کردیم) (دیگر نوشته اند که در سواحل ممالک ناپولی چون در اکثر مواقع فانوس
 روشنالی بود باین جهت کشتیها که از آنجا عبور میکردند اغلب غرق و سخته می شدند سخته دفع
 این تنگه از جانب دولت ناپولی بیجده قطعه فانوس بزرگ قرار شده است که در محال
 آن سواحل بگذرند که شهاب روشن باشد و کشتیها که از آنجا عبور میکنند بر و ششانی فانوس
 بی خطر بقاصد و لنگرکا هم برسند) (دیگر از فرار یک در روزنامه پاریس نوشته اند چنانچه
 چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است بعد از مصاحبه عمومی فرانستان اغلب دولتهای
 زیاده از لزوم را اسبند الا اخراج کرده و از کفین عوض آنها نیز صرف نظر نموده اند از جمله دولت
 فرانسه نیز چلی از عسا که زیاده از لزوم فرانسه را اسبند الا اخراج کرده و میکند چنانچه در
 این اوقات چهل هزار نفر از تنگ عسکره اخراج و مرخص کرده است

۲۴۶۷

از فرار یک در روزهای آنجلس نوشته اند یکی از کشتیهای تجارتی انگلیس دو بار نام که هزار و
 سصد و بیست و یک طنو که بر طنو عبارت از سه خرد است بارگیری داشت بعضی حساب کرده
 است و یک نفر سیاح در او حمل کرده از لندن حرکت نموده بود در محلی از سمت جنوبی قطعه ای از
 طوفان شدیدی برخاسته و کشتی مزبور شکست و غرق شده است و سکنه آن کجا غرق شد فاش کرده
 که یک نفر از آنها ساجل سلامت بیرون آمده است (موجب تفصیلاتی که در روزنامه های سابق
 نوشته شده بود راه آهنی که از مالک رودینه تا اسپوچره می ساختند که حتم مشهور سبب در
 راه بود راه مزبور را از کوه گذرانند با از دور کوه گردش دادن غیر ممکن بود و استیاء و سیاح که
 از راه مزبور میرفت بکوه که میرسد بابت طور کاروان باز کوه عبور نماید و مستلزم بعضی تکالیف
 شاق و مشکلات بالابطاق میشد بجهت رفع این صعوبت خواسته راه آهنی از زمر کوه درست نمایند
 و از جانب دولت سارودینه مهندسین باخافز ستاده شدند بعد از ملاحظه و تحقیق مباشرت کندن
 زمین کوه نموده بودند بوجه روزنامه که این اوقات رسیده است بجهت شدت حسابست کوه مزبور
 مسافتی از این راه از زمر کوه قابل امکان نشده است) (دیگر از فراری که در روزنامه لندن نوشته اند کشتی
 سوزک که بیست و سه هزار طنو که عبارت از نصد و نه هزار خردوار باشد بارگیری او بود سابقاً
 ترتیب داده و کشتی مزبور را تمام ساخته بودند و چون کشتی با من بزرگی تا کنون ساخته شده بود بجهت نزول
 آن بدربار جناب اشخاص را بنام اشاعلام و در مخصوصی از برای تماس با من وارد داده بود که کس از مقامات
 سبب ترتیب و بتمام تمام نماید و بعد از آنکه این مقامات جمع شدند یکی از مهندسیین مقرر شد که سبب هزار کس
 مزبور را بدربار بنماید از آلات راه آهن و آلات جدید دیگر ساخته و بعد صد قدم که کشتی را با این
 آلات از مقام خود حرکت داد کشتی از قانون مهندسی تجاوز کرده و یکی از آلات مذکوره پاره شده
 و تعلق و مجروح گردیده بودند و بعضی از مهندسیین گفته بودند که نزول این کشتی با این آلات
 بدربار بسیار مشکل است و آن مهندس که سبب هزار کس را مقرر شده بود که کشتی را بدربار بنماید
 بجهت اجرای هنر و صنعت خود تا کنون هفتاد هزار لبر صرف کرده و صد و بیست قدم دیگر کشتی را
 پیشتر برده است و امکان نزول او را با این آلات بدربار اعلان کرده است لهذا در این روز
 یک قوم پانصد و یک ترتیب داده اند و یک کشتی دیگر بزرگتر و وسیع تر از آن کشتی بدست گرفته
 در حوض کشتی سازخانه مزبور میسازند

۲۴۶۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایح یوم خورشید ششم رجب المبارک سال ۱۳۷۴



منطقه دارالخلافه طهران

مزه سیصد و هفتاد

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط سه

بر نخود

اجبار واحد مالک روسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت قویلیت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه که در شکارگاه کن تشریف فرما
 در روز خورشید ویم ماه رجب المبارک مبارک که سلطانی و مقدر سلطنت عظمی مراجعت فرمود
 و در شب یکشنبه سیزدهم ماه که شب عید مولود مسعود جناب ولایت آتاب امیرالمومنین علی
 ایطالب علیه الاف التحیه و التهنئه و علی اولاده الطاهرین سلام بود حسب الاشاره اعلی و بیا
 بزرگ پادشاهی اسباب چراغان بسیار سنگین فراهم شد و جناب اشرف امجد
 صدر اعظم محترم بنامه بایش سرکار اعلیحضرت اقدس شهرباری شب را در درخجانه توقف
 وقت چراغان از جناب سستی اجوائن عالیون شاهنشاهی حاضریشان بجهت تماشای ایشان رفت
 و در حضور اقدس جناب مشغول تماشای و گردش باغ بودند و از آنجا سرکار اقدس اعلی اعظم
 تفرج آسبازی دیوانخانه بزرگ تحت مهر که در کمال شکوه حیدر بودند تشریف فرما شدند
 و جناب اشرف نیز مقرر حضور با یون بودند و درین بین بعضی از محترمین شاهزادگان عظام
 از اولاد خاقان خلد ایشان و اولاد حضرت ولیعهد میروردر چگاه اقدس عالیون شرف
 حضور بهم رسانیدند و بعد از انقضای جشن بازی در شام در محفل عالیون حاضر و مورد الطاف
 و توجهات حسروانی شدند و در روز یکشنبه که روز عید مولود جناب ولایت آتاب امیرالمومنین
 علی ایطالب علیه السلام بود قصیه فوت نواب رکن الدین میرزا امیر توپخانه روی داد و
 وقوع این واقعه کمال حزن و ملال بر خاطر اقدس روی داده و جناب اشرف امجد این

۲۴۶۹

و تمامی اعظام جا کران حضرت کردند و بسط صبح روز یکشنبه بدر ب خانه حاضر شده به
 تسبیح چهاره شا هزاره میروند و در وقت غسل جوارحه از اندرون تا بای تخت روان بست
 جناب جلالت آفتاب نظام الملک و امرای دربار کردند و در آنجا که در تخت روان
 جا و اند جناب اشرف امجد رفیع تا مسافتی و سایرین تا بیرون دروازه دولت مشایعت
 نمودند و از شاه هزارگان نظام نواب حاجی کیومرث میرزا ابلیخی و مقرب الخاقان میرزا زمان
 امیر دیوانخانه و ذوالفقار خان مستوفی حاکم قم و همچنین جمعی از محترمین و جا کران دربار
 مثل مقرب الخاقان میرزا موسی و زید در اختلافه الباهر و سایرین غرض نواب شاه هزاره میروند
 با کمال احترام به بقعه مطهره امامزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام
 جای دادند و در آنجا در بقعه جداگانه مدفن ساخته سجاک سپردند (نظر بر اقبه کائمه
 مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله سفا و حضرت در تقدیم خدمات حضورها یون
 و ظهور رحمت خاطر اقدس طوکانه در باره مقرب الخاقان مشارالیه درین سفر شاکر کن و سولقا
 موجب دستخط مبارک که بتو اکاب محسن میرزا امیر خورشید صدر ریافته بکر س از
 از اسبان حاصه سرکاری از اصطبل خاصه مبارکه مقرب الخاقان مشارالیه مرحمت فرمود
 اعلان کتاب گفتگوی فرانسه و فارسی و در اختلاف طهران در کار و انرای ارامنه در حجه
 خواجه یوسف بغدادی و در در سلطه تبریز در حجه موسیو کاسبو افروخته طیب و هیز
 پانزده هزار دینار آذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند کمال منت
 و انتظام در انولایت حاصل است و انالی در غایب بغایت و آسودگی بدعا کونی دانت اقدس جان
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه استعال دارند و نواب مستطاب شاهزاده خشم و الاثبات
 رکن الدوله العلیه حکمران مملکت آذربایجان هر روزه در دیوانخانه نشسته بعضی و داور عیاد
 انجام مقام دیوانی رسیدگی کامل مینمایند و در هر هفته یکروز اوقات خود را بید و بارز علی
 اعلام و مجتهدین دوی العز و الاحرام مصروف میدارند و عموم انالی و لایب احسن سلوک لوات
 معزی الیه کمال رضامند برادارند و سایر کارکنان و جا کران دیوانی از ارباب علم و صاحب
 نظام هر روزه بدر ب خانه حاضر شده بانجام خدمات مجموعه خود اشتغال دارند) (دیگر
 نوشته اند که صادق نام و خوارقانی که از جمله اشعار و الواط مشهور بود و در ایام حکومت لوات
 خدمت الدوله یکی از فرآشهای نواب معزی الیه را در خوارقانی کشته و فرار کرده بود و این

۲۴۷۰

اوقات پیدا شده نواب هزاره رکن الدوله فرستادند او را گرفته آوردند و نواب شاه
حکم مجبوس او نمودند تا بعد حکم آن بشود (دیگر نوشته اند که امور چارخانه های عرض راه او را
و دار السلطنه تبریز اقتشاش و پریشانی بهم رسانده بود بعد از آنکه اولیای دولت علیه امور چارخانه
مالک محروسه را بمقرب المحضه انخاقانیه حسین خان سرسپ مجول نمودند علیچاه مشارالیه
شعبانعلی بیک پنجاه باشی را نامور نظام چارخانه ناموده و بقدر کفایت مخصوص اسب از دار
حزبه فرستاده نمود مشارالیه پس از انقباط امور چارخانه های عرض راه دره اشهر
جادی الثانی وارد دار السلطنه تبریز شده اسبهای خوب و قوی در چارخانه آنجا بسته
و بهیچوجه معطلی و اذیت برای چاراران دیوانی وغیره که با اسب چاراری خواسته باشند
بروند هر قدر باشند سخاوت چندین مقرب انخاقان داد و خان سرسپ و مترجم اول دولت
علیه که این اوقات با اسب چاراری آمده بود مذکور میداشت که آن روزیکه در منزل صغیر
مسئل کرده بودم خود دیدم که متجاه زارسی ریس اسب متر ازین اطراف از چارخانه
مزبور سوار شدند و هیچکدام از آنها یک ساعت و نیم ساعت بجهت اسب معطل نشدند (دیگر نوشته اند
که کتب خانه اطال را منته دار السلطنه تبریز که در محله آنها واقع است نواب هزاره رکن الدوله
قدغن نمودند که کسانی که رفت و آمدشان بدرس مزبور مناسبند از در و باعث احتمال امر
تعلیم اطفال میشوند با پنجاه روز در روزنامه معتین معتین را هر روزه علیچاه میرزا عباس معلم خانه
نوشته بنقشه بنظر نواب معزی و مقرب انخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارج میرزا
و امر در سه روز در کمال نظم است و عددش کردن روز بروز زیاد میشود و شاکردن
تعلیم زبان فرانس و علم جغرافیا مشغولند) (دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مومنین سلطان
میرزا فضل الله وزیر نظام و پیکار کل مملکت آذربایجان که بعزم خاکپوشی استان معدلتین
شاهی خلد الله ملکه و سلطانه مصمم شده بود در روز بیست و چهارم ماه جمادی الثانی بخانه
علیچاه میرزا محمد تقی لشکر نویسن نقل مکان کرده و در بیست و هفتم ماه مزبور از آنجا روانه
طهران گردید) (دیگر نوشته اند که در محله باغ بیست فتح الله نام آسیابان با آقا کیشی بکنام
تراجع کرده و بدست آقا کیشی بیک مزبور زخم رده بود مراتب عرض نواب شاه هزاره
فرستاده مشارالیه را آوردند و تمبیه و سیاست نموده بعد از آن دادند چهار کرده و در بار
کردند و اخراج بله نمودند

۲۴۷۱

در این اوقات از جانب مأمورین دولت علیه که در ولایات خارج مستقر عرایض و تقاضاها
رسید و در باب کداریش رعایای دولت روس شرحی با مناسبت دولت علیه عرض شده
در روزنامه نیز منسطور است زار همین در مملکت روس حکم ملوک و بنده دارند و اختیار مال و
ندارند مالک آنها مختار است که آنها را همچو عا او منفرد آفرودند و رعیت در نزد آنها حالت
بسیار بدی دارد پارو از آنها متمثل میشوند و صاحب سخاوه کلی میگردند لکن اختیار اینکه
تصرف در آن سخاوه نمایند ندارند مالک آنها مختار است که هر وقت بخواهد تمامی سخاوه
تقد و یا بیک آنها را متصرف بشود و آنها حق داشتن زیادتر از نسبت و پنج مناسبت ندارند
علیه حضرت امپراطور روس از اول مجلس در فکر رفع این قانون و آزاد بودن رعایا از
ملوکیت پادشاهان این اوقات تدابیر کار برده و نوعی اسباب فراهم آورده اند که بدو
اینکه از دولت تکلیفی درین باب بجا آورده شود و مالک استیسه که صاحبان اطلاق مستند خود
آنها اغلب عریضه نوشته و مستدعی آزادی رعایا شده اند از جمله نجای و روسای ایالت نظریه
پای تحت روسیه و ایالت کاونسکی و ایالت ویلیسکی و ایالت غردوئسکی عریضه نوشته
نوشته و متمنی شده اند که درین چهار ایالت این قاعده را بر رسم زده و رعیت را از آزاد
نموده قرار داد تازه بگذارند که ملک و زمین از ارباب رعیت زراعت نموده حق ارباب
داده و حق خود را برداشته و بر مالک خود مالک داده و فرود ختن انجام کلی مترودک و موجود
کرد و علیه حضرت امپراطور رسم فورا قبول نموده نوشته مبنی بر اظہار تشکر و رضامندی که
در روسای این چهار ایالت نوشته و وعده فرموده اند که قومیون تربیت داده و از
جدید از برای این کار معزز دارند و نجای و روسای سایر مالک استیسه نیز کان کلی است که عریضه
داده متمنی بر قرار نمودن این قاعده جدیده بشوند چنانچه از قرار مذکور بزرگان و نجای فلس
نیز طالب این معنی شده و در خیال عریضه نوشتن و آزاد نمودن رعایای خود پیشا قارس
از قرار بکه در روزنامه فارس نوشته اند امور اولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس قرین ایش و انتظام کامل است و خود بیفت هر روز بلیغ
و داد رعایا و انجام مهمات و موجودات دیوانی دقت و رسیدگی می نمایند و سایر کارکن
و کارکنان دیوانی حسب الحکم نواب معزنی ابله هر یک با انجام امور محوله بجا و مشغول بکار
اتمام در انجام خدمت موجود دارند

۲۴۷۲

دیگر نوشته اند که درین رستمان بارندگی زیاد و قارس خصوصاً در شیراز شده و هوا
 سردتر از سالهای دیگر گردیده بود و ازین بارندگیها بعضی بناهای عمرتی هم خرابی رسید
 ولی حال چند روز است که هوا طایم شده و با عدال آمده است (دیگر نوشته اند که چون
 بزرگی که از راه بحر جاری است در سواستاقه مباحثین بلوک را حفره انبهای و تنقیه آن
 و آب بهنگام ضرورت پائین می آید و در جای ازین بگذر متعذر میشدند و آب مستطاب مؤید
 پس از استحضار بر این معنی کلامی که خدا باین محسب بلوک مقرر فرموده است از آنها التماس
 گرفتند که نه مقرر را تنقیه نمایند که آب در وقت خود در مجولات شستوی صیفی برسد و نیز
 اشجار فوقه که باغ نظر کریمانی که در خارج شهر قرینه باغ نواست بر در ایام غیر مشهور و انبوه
 نوات معزی الیه قرار دادند که اشجار کهنه را ازین کهنه بجای آنها نهال نارسج و سایر گیاهان
 بنشانند) (دیگر نوشته اند هر چه سر باز از فوج قشقایی که مأمور بهبامان بودند در میدان
 در سجانه حاضر شده صفت نظامی کشیدند و نوات معزی الیه ملاحظه سان و آراستگی و
 و حرکات آنها میدان مقرر آمده همگی را فردا فوج ملاحظه و رسیدگی نمودند از اینکه در
 انتظام و آراستگی بودند و التفات گردیدند و نوات معزی الیه یکسوی جبهه بمقرت
 لطفعلی خان سرتیب فوج مقرر خلعت التفات فرمودند) (طایفه زرگر در هر ولایت مشند
 اوقات سرفت و تعلق از آنها ظهور میکند از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند چند
 از طایفه زرگر در سرفت با هم عهدت بودند و هر چه ازین مهربستان می آمد با هم قسم
 و چند سال بود که باین کار مشغول بودند و عمل آنها بروز مکرده بود تا در این اوقات
 باین خویشان نزاع شده و بر که از اموال مسروق بدست آمده آنچه در شهر بودند متفرق
 میرزا علیخان بیکریکی آنها را اوستیکه کرده حسب الامر نوات مؤید الله و له در کار مطالبه
 و اموال مسروق مردم از آنها پشاند) (دیگر نوشته اند که حسب حکم نوات مؤید الله
 چند روز است بمقرت انخافان شیره الملک باستوخیان انولات نشسته بمجاسبات
 و معاملات دیوانی رسیدگی کرده مشغول تخریر جمع و خرج مالیات هستند که صورت حساب
 از اروسن کرده بدربار معدلت مدارهایون روانه نمایند) (دیگر نوشته اند که درین
 اوقات ابو الحسن خان کوهمره فوت شده ریاست کوهمره حسب حکم نوات مؤید الله و له
 بجایگاه محمد باقر خان ولد او مفوض گردید

۲۴۷۲

از هزار یک در روزنامه بندر بوشهر نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت مقرب الخاقان
 احمد خان دریابیکی و حاکم بوشهر و شستان و مصافحات قرین انظام و انضباط کامل است عموماً
 اهل آن ولایت از رعیت و ماجر و کاسب مرفه الحال و آسوده خاطر بکار و کسب و عیشتی خود و رعای
 ذات اقدس علی بن شاهنشاهی اشتغال دارند و امور طرق و شوارع نیز با تمام مقرب الخاقان
 مشارالیه مضبوط و منظم است و در هر جا در منزل مستحفظ و تفکیک گذاشته و از اعمال و مضبوط
 و مباشرین عرض راه التزام گرفته است که مال تجار و قوافل را محافظت نموده و صحیح و سالم منزل
 برسانند و آنها نیز حسب حکم کمال محافظت و مراقبت را بعمل می آورند و نیز مقرب الخاقان مشارالیه
 عالیجاه ابراهیم خان یاور را بایک نفر سلطان و دو نفر نایب و شش نفر سرباز با نامور بجزیره
 خارک نموده و پرده علم شیر و خورشید دولت علییه را نیز با و سپرد که بجزیره مزبور رفته
 سربازها را فلور چهار برج و هر جا که لازم است بقراباق گذاشته و بپرق شیر و خورشید
 دولت علییه را هم روزهای جمعه در جزیره مزبور برافرازند و بعد از انظام امور آنجا خود مجدداً
 یاور به بندر بوشهر معاودت نماید) (دیگر نوشته اند که بکفر و کشتی از بحرین بجانب بندر بوشهر
 می آمد و در نزدیکی بندر بوشهر طوفان شدیدی برخواست و کشتی را غرق نموده و عملیات
 کشتی از بوشهری و عجمی و غیره هر چه بوده اند غریق بجه فنا گشته اند که چند نفری که خود را بصورت
 باصل نجات رسانده اند) (دیگر نوشته اند که رعایای قریه سمر کور و ان نفس بکنیم مقبول را
 نیز و مقرب الخاقان احمد خان آورده مذکور داشتند که چهار شب قبل چند نفر از آدمهای این
 سپهر محمد رضا بیک زیارتی بقریه مزبور برای سرفت و دست اندازی آمده بودند بکرمهای قریه مزبور
 بر خورده و بطرف کزما شتیک تعنگ کرده یک نفر از کزما همان وقت در سرتیوت شد نفس
 او را دفن کردیم و یک نفر دیگر این مقول است که زخم کلوله برداشته روز دیگر فوت شده
 نفس او را حضور آورده ایم مقرب الخاقان مشارالیه پس از استحضار از مراتب سطوح
 عالیجاه ابراهیم خان یوزباشی غلامان مهاجر را با چند نفر عظام مؤمنان که رفته قایلین را احکاماً از
 مذکور گرفته بیاورند که موافق حکم شرع مطاع بقصاص یا دیه آنها بگذرد) (دیگر نوشته اند که قبل از
 ورود مقرب الخاقان احمد خان به بندر بوشهر منصرفاً ضابطه قریه زیارت بکرس الایع و سیرده
 پول یکی از اهل شبا نکاره را عوض ادعای بایک نفر از این شبا نکاره بگردانیده بودند مقرب الخاقان
 مشارالیه پس از استحضار و رسانده الایع و پول را حکماً از ضابطه مزبور مسترد و بصاحبش تسلیم نمود

۲۴۷۴

v

اختیار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته شود

سابقاً در روزنامه‌ها نوشته شده بود که دختر بزرگ علی‌احمد پادشاه انگلیس با پسر نواب پرنس وینچستر
دولت بریتانیا عقد و تزویج شده و بنای جشن و سوراین عروسی در ماه جمادی الاول در
قرار بود بفرار یک مجید و از روزنامه رسید غنیمت قران بمقتضا و قران نوره و غرامت و قودریخ
و نواب پرنس ناپلیان فرانس و بعضی اشخاص دیگر که دعوت باین جشن شده بودند در روز
لندن نوشته اند (تاکنون بکرات گذارش نامنی میان تجار و صرافان و صاحبان کارخان
در فرنگستان و بالارفتن نفع پول بجهت عدم رواج تجارت و تعطیل کشتیهای تجاری در سواحل
زین نوشته شده بود بعد از آنکه مسئله مشکله شد و ستان رو بسهولت گذاشت امور تجارت
نیز براه خود افتاده و نفع پول در کارخانجات انگلیس بصد و شش و در فرانس بصد و پنج تنزل نمود
موجب خبر تلگراف که در این اوقات رسیده نفع پول بکلی تنزل نموده بفرایم سابق در
انگلیس بصد و پنج و در فرانس بصد و چهار قرار یافته و امنیت نام بین صاحبان کارخانجات صاحبان
تجاره حاصل گردیده است) (دیگر در روزنامه لندن نوشته اند در اوقایکه ملک انگلیس
با نوره مناسبت کامله داشت در آن اوقات بسیاری از االی دولت نوره بفرانس
دولت انگلیس در آمده بجا که انگلیس آمدند و جواهر بسیار از دولت نوره بدولت فرانس
حتی قران انگلیس روزی که با عیال خود از قرانیت نوره با انگلیس جواهرات بسیار همراه خود
اور و بعد از آنکه آن مناسبت کامله و اصول معموله مابین دولتین منقطع گردید و ریاست
این جواهرات پانزده سال قبل ازین ایام از جانب دولت نوره داده شده بود در آن ایام
بجهت اینکه قراری درین گفتگو بگذارند مرکب از سه عضو قومی در لندن قرار دادند مؤخر
اعضای قومیون مزبور هر سه فوت شدند و قومیون دیگر در این باب ترتیب دادند در
این اوقات در قومیون مزبور در نمودن آن جواهرات را بدولت نوره قرار داده اند
(در باب گذارش دولت چین سابقاً از طرف دولت انگلیس سفیری با سفارت مخصوصه
به دولت چین ارسال شده و از طرف چین سفارت مشایخه پذیرفته شده بود و بجهت آن مقصد
در این اوقات بموجب روزنامه‌های یکی دنیا از جانب جمهوری سیکو دنیا قومودور در نام با سفارت
مخصوصه چین ارسال شده و بشهر لنگان چین وارد گردیده است) (دیگر در روزنامه پاریس
نوشته اند که شخصی چینی که در پاریس بجهت اظهار مرشدی خویش صندوقی از این ساخته و با

۲۴۷۵

حد و لیرا در میان آن گذاشته و اعلان کرده بود که هر کس بتواند این صندوق را بگشاید یا نقد
 لیرا که در میان صندوق است مال او باشد بچکس نتوانست آن صندوق را بگشاید و این جهت چنانکه
 مرنور در سر مندی خود شهرت نام نموده در این اوقات مباشر صندوقخانه امانات این
 خواسته و سفارش نمود که دو لایحه ای با نظریه سازد که کسی نتواند در آنرا بگشاید او نیز دو لایحه
 ساخته تسلیم مباشر مرنور نمود آن مباشر نیز بجهت تجربه استحکام آن دو لایحه نیز وضابطه پوس که
 سارقین و غیره در عین او میباشند رفته گذارش دو لایحه را بیان کرده است عامود که
 چند نفر از طاران مشهور را که محبوس اند از آن بدید که آمده بپیشند آن دو لایحه را بگشاید
 یا نه تا استحکام آن تجربه شود وضابطه پوس نیز چهار نفر از مشاییر رقیب را مضبوطا با سختی
 روانه نمود آنها آمدند محل کلید دو لایحه را یک دفعه ملاحظه کرده بعد از آن خلاصی با قدری مانع
 و با خلل محل کلید را بهم زده و بانان حرم او را پروردن آورده بجهت تدارک بعضی آلات تاروز
 و دیگر جهت خواسته و دو پارچه آلت درست کرده روز دیگر آمدند کویا مانند کسی که کلید دو لایحه
 درست داشته باشد بلا تاقل بان دو آلت دو لایحه را گشوده و این گذارش مشهور حاضرین
 گشته کمال تعجب نمودند و مباشر مرنور دو لایحه را بان چنانکه که ساخته بود رد نمود (سابقا
 نوشته شده بود که بجهت مخالفتی که مابین یاغیان چین با خاقان الولاست اتفاق افتاده بود از
 جانب دولت روس بجهت امداد خاقان چین پنجاه هزار قشون و رخت حکومت خیرال مراد
 از راه سبیر چین ارسال شده و بجهت ملاقات کردن خیرال مرور با خاقان چین سفیر محضی
 از جانب دولت روس بچین رفته بود و موجب روزنامه که این اوقات رسیده است
 سفیر دولت روس نیز شهر بانگان رسیده و در آنجا با سفیر جمهوری یکی دنیا یکدیگر را ملاقات
 نموده اند) (دیگر نوشته اند که از سفاین تجار قی لویان یک کشتی بعضی اشیاء حمل نموده
 از مارسیلیا حرکت کرده بمحل شیره نام می آمده است در فراخای قالیاری ناگاه کشتی اش گرفته
 آمد و اسباب هر چه در او بوده اند سوخته و نابود شده اند و از میان آنها فقط پنج نفر خود را بقوی
 با حل سلامت رسانده اند) (دیگر نوشته اند که از سفاین تجار قی لویان یک کشتی که مسکرات
 حمل نموده بود از شهر بوستون که در یکی دنیا واقع است حرکت کرده سمت اسلامبول می آید
 در آشنای راه در جوار مالطه بسیاری نشسته گشته و غرق شده و آنچه مسکرات در او بود
 با سکنه او تلف و نابود شده است

۲۴۷۶

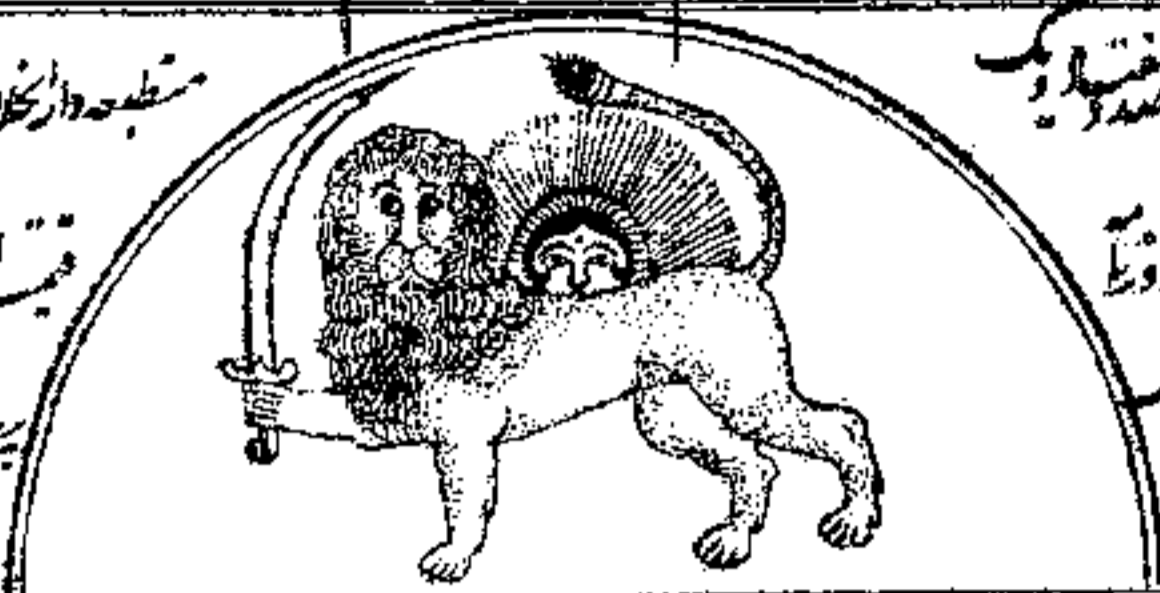
روزنامه قایم اتقا و تباخ یوم خمیس و چهارم جماد الثانی سنه ۱۳۷۴

مهر سیصد و هشتاد و یک

مستطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بهر خط در هر شماره



قیمت روزنامه

بهر خط در هر شماره

اخبار و احسنه ممالک روسیه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون موافق آداب رسوم دولت داری بر مرد و ننی لازم و واجب است که بنای رفقا خود را بعد از انصاف و مردم داری گذاشته بامری که باعث نا امنی مملکت و سلب آسودگی عیبت می شود اقدام ننماید لهذا سرکار علیحضرت آقدس شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه نیز محض رعایت جانب انصاف و جسم و مروت ملوکانه خاطر آهوس را با آسودگی رعایا و زیر دستمان که در واقع احدیت یباشند گذاشته اند و هیچ امری در طبع آقدس سها یون ناکو از راز آن نیست که نسبت ظلم شود و یا از قوی و حق ضعیفی اجحاف برود این است که بعد از کل حکام ممالک محروسه احکام کرده صادر فرموده اند که از جانب مظلومین صرف نظر ننمایند و اگر کسی با کسی ادعا و سخنی داشته باشد با او کجا عدلیه و محض علی شریع و بنیت سحر آنها رسیده نماید و از انظار معمول داند و بدون عیب و ایراد با حدی دست تعرض در راز ننمایند با این احوال از قراریکه بعضی اولیای دولت علیه رسیده معروض پیشگاه آقدس اعلی افتاد و بعضی ادعائی که خواجگه کالوسس تاجر با شاهی دولت بهیه ره سینه در تبریز کرده است بی آنکه صدق ادعای ثابت شود و کار گذاران او را با بیجان بچگون لازم در محض و تقصیر تحقیق حال بعین آورند از جایگاه جواد خان سقانی مبلغ پانصد تومان غرامت گرفته بخواجه کالوسس داده اند و حال اینکه وظیفه کار گذاران او را با بیجان این بود که بعد از این او عا در کمال وقت تحقیق امر رسیده کی نمایند در صورتیکه ادعای مزبور معروفون بچقیقت نبود شخص مرکب و سارق را بد آورده هم مال غارت زده را بعینه مسترد و تسلیم صاحب مال نمایند و هم مرکب چنین جنایت

۲۴۷۷

عظیمه را برای خود برسانند که عبرت لاشاظرین شود نه اینکه برخلاف حکم محکم دولت با بی نظیر ظلم
و تعدی نسبت بنوکره رعیت دولت رو دارند لهذا حکم محکم از مصدر خلافت نموده محصل شایسته
شرف صدویافت که تبرهان این عمل مسیح سبید تومان از نواب هزاره والا بنابر رکن الدوله
صاحب اختیار اذربایجان که نمکین بوقوع ظلم مزبور نموده و از مقترب انخافان پسر امصطفی قلی شکار
مخاسبات اذربایجان که اجرای حکم بدست او شده و از مقترب انخافان دبیر مهمام خارجه که در
پیشکاری مهمام خارجه آن مملکت است سورا بر خود راه داده است بالسویه دریافت نموده
همایون بیاید و مسیغ با لصد تومان را بهم که از جواد خان گرفته شده است چون اثبات
جیانت نه موافق احکام دیوانخانه عدالت و نه موافق حکم شریع شریف بردته او و او داده است
لذا آن مبلغ را هم از خود خواجه کاکوس بعد از آنکه بی حق بودن او را اثبات کردند دریافت نمایند
و بعد برصد و تحقیق قدر مال و تعیین و بدست آوردن سارق برآیند و احقاق حق نمایند تا
مرکب نظایر این تدبیرات نسبت بنحقوق قدان شوند

اموریکه ما بین دولتها و ابر میشود خالی از وقت نیست کمی امور پولا طبقه مهمام دولتی که راجع
ببغرای دولت و باید با اولیای دولت علیه مذاکره و تشویه نمایند دیگری امور تجاری که
وظیفه قونسولها و مأمورین است و باید با کارگذاران امور دیوانی مالک محروسه قطع و فصل
و از بیچیک ازین دو نوع مطالب و مهمام مزبور ربطی بد دیگری ندارد و بیچیکه ام از طبقات مسطوره
نمیتواند وظیفه خود را تغییر بد پس از حدود و اطراف مالک محروسه احدی از مأمورین و کار
گذاران دیوانی اجازه و اختیار از آن دارند که در امور پولا طبقه با مأمورین دول سایر طرف
و طرف سؤال و جواب شوند و حرف دولتی یا توسط و حمایت رعایای این دولت را از
قونسولها استماع نمایند و البته آنها از وظیفه خود و حکم دولت خودشان تجاوز و بدخطب یا بکنون
امور سخا بند کرد و چنانکه قونسولها در امور دولتی بی اجازه و حکم اولیای دولت خودشان نمیتوانند
بدخلت نموده قرار قطعی گذارند و سند دولتی بپارند البته مأمورین این دولت هم اجتناب از
این نوع کارها کرده کار خود را منحصر بانجام و تشویه مطالب تجاری خواهند دانست بالفرض اگر
انها در امور دولتی اعم از قبیل توسط و حمایت و غیره مداخله کرده قولاً و فعلاً مصدر قرارى شد
باشند صریح اعلام میشود که در نزو اولیای دولت علیه موقع قبول و امضا سخا اهد یافت و رایج
شخصی آن مأمورین خواهد شد و بس درین صورت البته مأمورین دولت علیه تکلیف خودشان را

از اینجا که نمیتوان حکم دولت را قبول کرد که دولت از این خیرین بسیار است که نمیتواند

حسب الواقع و البته تجاوز از وظیفه خود ننمایند کرد این دستور العمل جمیع ولایات ایران است
عموما که محل توقف قونسولها بود یا باشد و دستور العمل تیرزاست خصوصا و بنا به مختلف
() هوای دارالخلافه طهران در این اوقات کمال ظلمت و اعتدال را دارد و چون عهد سلطانی
نزدیک است مردم در هیئت و تدارک لوازمات عید پیشا و چند روز است که بارندگی نمی شود این
دولت علیه و مقربان حضرت کرده و نبط سنیته مستوفیان و لشکر نوبین عظام و امر او
خو این هر یک در دفتر خانه مبارک که وسایر منازل در سخانه مبارک با انجام خدمات و عیادت
سجود پرداخته مسکام سلام شریفی با حضور همه زور خستروانی میبوند و همچنین افواج قاهره نظام
از توپچی و زنبورچی و سرباز و سواره نظام سینه خوشی و طامیت هوای هر روز در میدان ارک و میدان
خارج دروازه دولت مشغول مشق میباشند و مقرب انخافان اجودان باشی و سایر صاحبان
کمال مراقبت را در تعلیم و آداب مشق آنها بعمل می آورند و عمده صاحب منصبان نظام بعد از
فراغت از میدان مشق باشکر نوبیان همه روز در اطاق نظام جمیع شده تا نزدیک غروب
مشغول گذرانیدن امور و احکام و بروات نظامی هستند (مقرب انخافان علیجان میرنچ
قراکوزلو که از ناموریت فارس مراجعت بدربار معدلت در کرده بود در این اوقات
که از خاک پای مبارک اذن مرضی بولایت خود حاصل نمود از جانب اولیای دولت علیه نماید
بلنج در انعام عمل فوج جمعی او شد که بزودی کمر فوج جمعی خود را تمام نماید) (نظر بر آیت شایسته و
استعداد عالیجاه حسن خان سپه مقرب انخافان شیخی خان سربس فوج خلیج قم و هرات او در
مشق نظام که در دارالفنون تحصیل کرده و در ناموریت مقرب انخافان مشارالیه در کرمان هم در مشق
و تعلیم قواهد نظامی فوج کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده بود و لهذا درین اوقات حسب الامر
حایون شایسته ای بنصب سربسکی فوج خلیج قم سرفراز گشته و در ازای منصب مذکور یک طاقه شال کربلا
اعلی از جانب سنی احوال ملوکانه با و خلعت مرحمت گردید) (چون افواج ثلثه اصعبانی
ابو اجمعه مقرب انخافان محمد ابراهیم خان سهام الملک در ناموریت بنا در فارس همراه مقرب
مشارالیه با کمال نظم حرکت کرده محاسن فدوت و جان نثاری خود را ظاهر نموده بودند
خدمات آنها در خاک پای حایون علی حضرت قدر قدرت شایسته ای خلد الله ملک و سلطانه و اولیای
دولت قاهره مقبول و حسن افتاد و برای مرید امیدواری آنها موازی ده دست خلعت عالیجان
حاجی محمد باقر خان سربسکی فوج فریدن و میرزا عبدالوهاب خان سربسکی فوج برخواستار و اولیای

۲۴۷۹

سرهنگ فوج جرقویه و سایر پادشاهان و مشرفین افواج نیز بورد حضرت گردید (چون عالیجناب
 میرزا نادر وکیل کردستان صاحب لوی بیگ گردستان را از دفتر خانه مبارک که خوب گذرانده و در
 صداقت و راست فطنی خود را در خدمت اولیای دولت علیه ظاهراً بخت لهذا یکتوب جنبه ترنمه کرمانی خوب
 از صند و قناریه مبارک بشار الیه خلعت مرحمت گردید آذربایجان از قناریه که در روزنامه
 تبریز نوشته اند مشهدی کاظم نام قشاک که از جمله طواریان مشهور بوده و بهر سخنی اسم و حال و کسب
 خود را تغییر میداده و اموالی بوعده دوسه روزه از مردم میخریده و فرار میکرده است و در سابق
 هم خود را متحارب و متوجه خارجه و اموده قریب هزار تومان مالی از تجار کاشی خریده بود که از راههای
 سنجاک روس با عثمانیه میبرد بعد از معلوم شدن فرار او و نفر از علما ان خارجه متعاقب او رفته
 و نزدیک سر قند او را با بابای تجاری معاودت دادند آنوقت در سر این عمل گرفتار شده بود درین
 اوقات باز در لباس اسب امانی طرف دولت بنیاد روسیه برآمده و اسم خود را مشهدی
 علی گذاشته از مردمی که معرفت سجال او نداشتند بیایع گرفتار مال گرفته بعد از آنکه از احوالات او
 اطلاع حاصل کردند محمد صادق بیک داروغه او را گرفته در صد دستداد اموال مردم برآمده معلوم
 شده بود که علی اکبر نام قزاقی که خود را عیسی روس نسبت میدهد همه جا معرفت او واقع شده و میگفت
 هزار تومان برای تجاری آورده که خرید نماید و مردمی که مال بکاظم نام داده بودند باطمینان علی اکبر
 و اظهار اعتباریکه او میکرده است داده بودند بعد از گرفتاری بکاظم علی اکبر نیز بورد که معرفت او بود
 بدستگیری خواجه کالوس تاجر باشی دولت بنیاد روسیه امر را بقونسول دولت تبریز مقیم تبریز
 مشتبه کرده و گفته بودند که مشهدی علی نام ایرانی را داروغه گرفته و قونسول خالی از دهن گرفتار
 استباه کاری کرده اند خود را غزل داروغه را از مقرب انخافان حاجی میرزا محمد خان دبیر مصلح
 خویش کرده و درین باب شرحی نوشته و امر آنموده بود مقرب انخافان مشار الیه مراتب را
 مستطاب شایسته بر او و الا بتبار رکن الدوله العقبه حکمران مملکت آذربایجان عرض نموده تو بمعنی الیه
 بقونسول نوشته که این مطلب معلوم شود که شخصی که سبب این خویش شد است یا همین کاظم متعاقب
 معروف است که بشما بسم مشهدی علی موسوم کرده اند یا مشهدی علی نام دیگری است که قرار دادند که در
 اطاق مقرب انخافان دبیر مصلح خارجه دوسه نفر صاحب منصب روس مقرب انخافان طبعی خان
 دار السلطنه تبریز و چند نفر از تجار اجلاس کرده درین باب تحقیق نمایند حسب احکام نواب مغزی الیه
 مشار الیه در اینجا حاضر شده داروغه و تجاری که مال آنها را کاظم گرفته بود باکبیکه معرفت باحوال

۲۴۸۰

داشتند نیز حضور بهم رسانده بشود و قراین واضح بر صاحب مضبان رسد معلوم شد که این شخص کاطم
 افتار است و بر جنرال قونسول امر مستقیم کرده اند کاطم را فی المجلس مقتضای انصاف تسلیم کردند و
 حسب الحکم نواب مغزی الیه اورا بنحیر ابحاج حاجی محمد ابراهیم تاجر قزوینی سپردند که بعد از آنست
 اموال مردم قلیبه و مواخذه لازمه از او بشود و از اموال مردم آنچه در نزد خود کاطم موجود بود
 با آنچه دست بدست گشته بود همه را گرفته بصاحبان تسلیم کردند و مشا را الیه محبوس است تا حکم آن
 اصفهان از قرار بکه در روزنامه اصفهان نوشته اند چون نواب مستطاب حمت الدوله
 حکم این اصفهان مستعنی شده بودند که بجهت عید سعید سلطانی شرفیاب حضور باهر النور مبارک
 اندکس شایستهی سوتد از جانب سنی احوال بکانه حسب فرمان مبارک اذن حاصل شد
 حسب الاشارة الطیبه نواب امیرزاده عبدالعزیز را بجای خود منصب نایب الحکومگی اصفهان
 و امور صلیبه و ربط معاملات و محاسبات را کما فی السابق بعالیجا معترف الحضره العلیه سرر
 محال داشته در ششم شهر حیرت المرحب بخدم شرفیابی حضور قدس تا یون بهارت وقت دست
 نقل مکان کردند که بعد از چند روز روانه دارالخلافه بایره شوند (در باب شصت و هفت
 لعنک سربازی کار اصفهان بطرح جدید با شصت دست فالسفه که حسب الامر اولیای دولت
 معترف شده بود درجه خانه اصفهان با تمام رسانده بدار الخلافه مبارک که روانه نمایند از قرار بکه
 نوشته اند تا کنون چهار صد قبضه لعنک تمام اسباب با چهار صد دست فالسفه با تمام رسیده
 تحویل کارگذاران نوات مستطاب حمت الدوله کرده که تا شب عید وارد دارالخلافه شده
 نظر اولیای دولت قاهره خواهد رسید و نواب مغزی الیه از تفکهای بروز چند قبضه را در حضور خود
 امتحان نمودند بسیار خوب و محکم و بی نقص بودند و متمه لعنک و فالسفه را نیز با استادان جبهه خلا
 سفارش و تاکید نمودند که بزودی بخوبی بانجام و تمام رسانند (دیگر از قرار بکه تبعه اذوقه
 و اجناس کولات و غیره اصفهان را در این اوقات نوشته اند تا آن کین بوزن شاه
 دو عباسی و کوش یکین دو هزار و دو عباسی و برنج خوب یکین هزار دینار و برنج وسط یکین هفت
 شاهی و نیم و دروغن یکین شش هزار و سصد دینار و کتدم خوب یکین دو عباسی و کتدم وسط
 از پنج شاهی الی منت شاهی و گاه یکم هزار و دینار و پانزده شاهی و نیم هر داری یکین
 و کتدم هر یک من شاه یکین مان سکر معارفی یک من شش هزار و یک عباسی و کتدم و برنج
 خوب یکین سیزده هزار دینار و کتدم یکین یازده هزار و پانصد دینار و نبات یکین شش هزار دینار

۲۴۸۱

مازندران

از قرا که در روزنامه مازندران نوشته اند امور ولایت فرین ایت و انتظام کامل است و
 و نواب کامیات لطف التمسیر از حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان پیکار ولایت
 در انتظام امور ولایت و رفاه حال عیث و انضباط مسرعه و شعور و انجام خدمات و قنات و
 کمال انعام را بعلی می آورند و الهی در عایا سوده خاطر و مرفه الحال بدعای دوام دولت و
 از دیاد شوکت ابد القیال استعال دارند) (دیگر نوشته اند که درین اوقات نواب شاهزاده
 لطف التمسیر از نواب امیرزاده فضل التمسیر از حکومت بلده بار فروش برقرار و عالیجاه ^{حسن}
 بر اور مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر را که بمقربت حسن سلوک معروف است پیکاری
 امیرزاده مضروب و در ششم حمادی الثانیه از ساری روانه محلی اموریت نمودند) (دیگر نوشته
 که مقرب الخاقان محمد حسن خان پیکار و حاجی مصطفی خان و عالیجاه امیر مسیح لبر کئی قلع
 ناصر آباد و کنار فریضه براغمرز و سایر محلی سکنای ایل عبدالملکی که حسب الامر اولیای دولت
 میازندرفته و بدقت رسیدگی کردند تا اکنون سه برج مضبوط حکم بمباشری امیرزاده
 مقرب الخاقان محمد حسن خان و استصواب عالیجاه علیخان قاجار مندرس ساخته شده و باقی
 تمامی کارای انجا را نیز اتهام نموده اند که زود بانجام و اتمام رسانند) (دیگر نوشته
 که چون در غیاب مقرب الخاقان جعفر علیخان الیچانی بیکریکی استر آباد اشرا و لو باش
 ترکمان عرصه را خالی دیده بنای هرزگی و دست اندازی باطراف استر آباد که آشته بود
 نواب شاهزاده لطف التمسیر از پس از استخار بر معنی مغلطه سر کردگان طایف هرزگری و
 نوابی را بباری خواسته و سان نوکر آنها را دیده و مقرب الخاقان نور محمد خان سریش نوکر
 کرد و ترک ابواب همی خود و سایر طایف مازندران را بر جمع آوری نموده نواب مغزی ایله حسب
 اولیای دولت علیه مقرب الخاقان مشارالیه را با نوکر ابوجهی اوسان دیده بمقت استر آباد
 روانه نمودند و معاقب حرکت انخام مقرب الخاقان محمد حسن خان را با امور نمودند که رفقه
 در کلکگاه تپه و استوار امورین را بدقت ملاحظه و رسیدگی نماید که نقصی در سپاه
 آنها نباشد بدفع اشرا ترکمانیه و ایت حول و حوش استر آباد و نظم طرق و شوارع آن
 پروازند) (دیگر از قرا که تعبیر اخبار سس مازندران را نوشته اند که قدم پور مازندران هموار کرد
 هزار دینار و یک تومان وارد حوزاری سیزده هزاره شازده هزار دینار و شالی خرواری شش هزاره و پراچین

۲۴۸۲

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارج ترجمه شده و نوشته شده

گذارش قرال دولت پروسیه سابقا در روزنامه ها نوشته شده بود که چون مزاجشان علیل بود و در ضمن تبدیل آب و هوا بر او خودشان نواب پرنس را که ولعهد بیاید بجای خود نامده ماه قایم مقامی نصب کرده بودند موجب روزنامه های فرنگ که این اوقات نوشته شدست سه ماه قایم مقامی ختام پذیر شده و بجهت اینکه قرال دولت مزبور بهمان ناخوشی باقی است و صحت نیافته است باز نامده ماه دیگر قایم مقامی نواب معزی الیه را منصوب نمودند و هم چنین باز اگر در مدت مرخص بودن قرال مشارالیه مدت زمان قایم مقامی منقضی شود مجدداً نامده ماه دیگر بجهت قایم مقامی نواب معزی الیه تمدید خواهد یافت (دیگر در روزنامه های روسی و فرانسوی نوشته اند که نواب پرنس ناپلیان هموزاوه اعلیحضرت امپراطور فرانس بطریق سیاحتی سمت مصر و آن اطراف را نموده بودند ولی بجهت شدت سردی زمستان جویشان تا اول بهار بتعویق افتاده و در اول بهار نیز که بان سمت غربت می کنند از سفاین دولتی فرانسوی یک کشتی که نود توپ حمل اومی شود مقترراست که در محبت نواب معزی الیه باشد) (از فرانسه در روزنامه سیلیا نوشته اند از اولاد و اقربای پادشاه فاس بعضی رفع لوای عصیان نموده و جمعی از یاعیان بر سر خود جمع کرده بکوهستان و قرای آن ولایت پناهی کرده اند دست اندازی گذاشته بودند از طرف پادشاه فاس عساکر مخصوصه متعاقب آنها فرستاده شده و در محله طاقی فریقین دست داده و محاربه سخت وقوع یافته روسای مزبور کلا و سبک شده و بسیار کما زمت بانشان در آن جنگ کشته و زخمی شده و خود آنها را در جوار طغیانه در قلعه رحمان محبوس کردند و در ثانی پسر برادر پادشاه مزبور که داخل محبوسین بود بتقریب از قلعه مزبوره فرار کرده و بهر طور بوده است باز دستگیر شده او را بفاصل آوردند و در میان چهار سو ق بکلم پادشاه فاس بقتل رسانیدند) (گذارش قرال فانت مرشل روسکی سردار قشون آستریا در روزنامه های وین نوشته و تفصیل احوالات او را با بیطور شرح داده اند که مرشل مشارالیه در یکی از بلوکا شهر که موسوم بطراز است توله نموده بعد از مدتی بکبت حربه دولت مزبور داخل شده و در کت مزبور تحصیل علوم فنون نموده بر تبه و یکی رسیده و بعد از کت مزبور میرون آمده در سلک خدمت عسکر تبه مرتبه ادا عتلا و ارتفاع یافته و صفت و پنج سال قبل ازین منصب میر سنجی کی نائل شده و در این منصب که بود با بن جنگی که در آن ایام با بن دو لپین آستریا و فرانس وقوع یافت مشارالیه

۲۴۸۳

آثار نور و جلالت و حسن خدمت و شجاعت ظاهر ساخته در پنجاه و پنج یا پنجاه و شش سال
 قبل ازین بر تبه امیر تومانی رسید و از ایام جنگ با طغان بزرگ تا وقت انعقاد مصاحبه عمومی
 فرنگیان در محاربات و افتخار دولت استریه همه جا آثار کفایت و رشادت از او ظاهر شده
 در وقت او بدرجه مرشل که سرداری بزرگ است ارتقا یافت و سرداری حجازستان نامیده
 گردید و در سی و هفت سال قبل ازین در منصب و حالت سرداری کل بقایم مقامی ایالات و بلاد
 و وندیک و لومباردیا منصوب شده و در این ایام توسته و سال قبل ازین در محاربه که باهین دولت
 استریه و دولت ساردینه روی داد و چون مرشل مشارالیه زیاده مسن بود و بجهت ضعف پیری در
 اسب منبتوانست نشست گفته بود او را روی اسب بسته بودند و چند دفعه با بیطور در سرداری
 قشون جنگ کرده در هر دفعه فتح نموده و دشمن را شکست داده و گریزاند و نوشته اند که در شب
 تمام در استقامت روز جنگ مانند شترالیه در هیچیک از دولتهای فرنگیان دیده نشده بود
 و گذشته از رشادت ذاتی بسیار خوش رکاب و خوش اغور بوده است چند وقت قبل ازین
 که زیاده پیر مسن شده بود از خدمت استعفا مرسوماتی که از دولت استریه در حق او
 برقرار شده بود در روزنامه های سابق نوشته شد در این اوقات در پای تخت و نیزه از در
 قمارتجال نموده است (دیگر در روزنامه های رسمی استریه نوشته اند که در این ایام چون مصاف
 دولت مر نور از واردات و مالیات آن زیاده آمده است بجهت تسویه این جمع و خرج ترک تسویه
 بعضی راهها و ساختن عمارات و دولتی که چندان لرزومی ندارد از جانب امپراطور استریه حکم شده
 که تا مدتی موقوف دارند و نیز در روزنامه های رسمی استریه نوشته اند که در اطراف شهر و نیز
 صندوقها وضع کرده اند که در اول بهار آینده در روی آنها عمارات بسازند و سبب کار کردن
 در آن عمارات صد هزار کس از عساکر دولت استریه معین کرده اند) (دیگر نوشته اند که چنانچه
 اطلب دولتهای فرنگستان در ترزاید قوه بجزیه خود استقام و اعتقاد دارند و لب اخن کشتیها
 مبادرت بنمایند دولت و بنهارک نیز زیاده کردن قوه بجزیه خود مبادرت نموده در این اوقات
 دوازده قطعه کشتی جدید که هر یک پنجاه توپ و صفت توپ بگیرد قرار داده است که ساخته
 بر یابند اند و در کشتی سازخانه دولت فرور مشغول ساختن آن کشتیها شدند
 که با تمام رسانده داخل دریایمانند

اصول نظام

اینست جمیع سرکارگان از تو
 حکم نظامی که از تو و اینست
 صد عظیم است و اینست
 حکمت است که در اینست
 بیعت الملک است که در اینست
 در اجرای این حکم است که
 حکمت کند با آنست که در اینست
 که در اینست که در اینست
 در اینست که در اینست

که چون منظور نظر کسیر نظیر و مکتون ضمیر تیرت تجریر سرکار علیحضرت قدر قدرت شایسته
 بجایه عیان پناه روح العالمین فداه تنظیم شکر و تربیت کا و ذکر است تا بر یک از طبقات نوکر را حدی
 در کار باشد و بدان قسم سلوک و رفتار نماید و ارباب قلم را از اصحاب بیعت اعتبار باشد و کا و شکر از
 حیث لباس و اسب از دیگران ممتاز آیند و نظر باینکه این لبه مندا اوله ایران خاصه کلامی بلند از جناب
 و سطوت و مهابت که خاصه لشکرمان است دور و بلطافت و لطافت که مخصوص اصحاب طاق و در واقع
 نزدیک بود و برای قشون و ارباب مناصب تنبستن این لباس مناسب و مناسب این اسب و در تصرف مینمود
 و حال اینکه بایه تفرقه جو حسن و خیانتان بود بدیهی است که حواس این باب منصب یا جمیع تنظیم سپاه باشد
 نه در خیال تطبیح کلیه و کلاه لهندام و معتز فرمودند که غازیان عساکر منصوره از طهرین کباب طهر است تا چون
 و نامورین و متوقفین ولایات جاک محروسه از ارباب مناصب تنبستن این اسب و فرار کلاه لباس عساکر
 خود را ازین فرار بگذارند و اندازه کار و اخراجات خود را مرعی دارند بهر چه این حکم نظامی که بر حسب امر قدر

۲۲۸۵

فرار لباس غازیان مفضل

مقرر فرار لباس

آقایان قاجار و اهل کشکلی	عساکر منصوره از امیران و میرانی
خواجین قاجار از غلام شکر	و سپهسالار و سپهسالاران صاحب مناصب
غلام و تقییر	و سرکردگان از نوچخانه و زینور
نشینان و حاجان و جانان	قورخانه و سبزو سوار عساکر از نظام
و نیاول و غلام و عساکر	نظام و عساکر متعلقین بر سه دار الفنون
	و نمایان بودند این باشی و غیره

کلاه جسیج اشخاص مفضل فوق باید دو کلاه زستانی و بهاری کلاه تابستان
 باشد مثل کلاه خراسانی از صاحبان ابره آنها غیر از برک و ماهوش
 در و سازه و تومان و چیز از زیاد که چیز دیگر نباشد کلاه بر سه
 قیمت نداشته باشد کمتر از آن کشتیری و کرمانی را موقوف
 از تابین و احاد افراد از دو تومان دارند تا باین کلاه قدک و کلاه
 باشد الی سه هزار دینار لا غیر

قرار چادر و لوکر

چادر پوشش از میرنجه بیا بین کسی نباید در آرد و برد
 امیر تومان و میرنجه با کسی که در سنگ شمشیر بدشان
 میرنجه کی داشته باشد مختار است تیرمان چادر
 بی پوشش تیرسی مثال ابره چیت یا فلک را یا درانی هر چه
 مختار است لکن پوشش نباید داشته باشد و سنگ هم چادر
 سرنگی کبیر طبل میانس را هر چه کند مختار است این در صورت
 سرتیب و سرنگ مسراه از دوی سفر کنند که تا بآن
 آرد و با لکن اگر سرتیب را رئیس آرد و گفته با قشونی
 باه بسیارند و بجائی مأمور گفته که بزرگتر از او در آن
 قشون نباشد در آن صورت از دیوان اعلی چادر پوشش
 باه داده خواهد شد که بعد از معاهدت از سفر بخیام خانه
 مبارک که پس بد امیر تومان و میرنجه در برداشتن چادر
 پوشش مختارند خواه با آرد دوی بزرگ یا منقر و باشند
 میرنجه می تواند در روی چادر کبیر طبل خود آن پوشش کوچکی
 بی آسیدی و تخیر هر چنین طور علاوه نمایند که تمیز نماید
 و سرتیب را بدو هم حفظ باران و سرنگی و اگر
 گذارند مجبور نخواهد بود

از امیران لومان و میران پنجه و میران و سر مکان
 و صاحب منصبان قرار قراول آنها این است که هر یک قدر
 فرجی که ابو ایمنی دارند از هر فرجی دو نفر قراول داشته باشند
 مثلا سرتیب دو فرج دارد چهار نفر قراول داشته باشد
 سرتیب یک فرج دو نفر قراول داشته باشد ازین اردل در
 خود بخند از نوکر هم در سر و کوجه بازار و غیره زیاد
 قرار تفصیل درین مسرا چه خود بر نه دارند

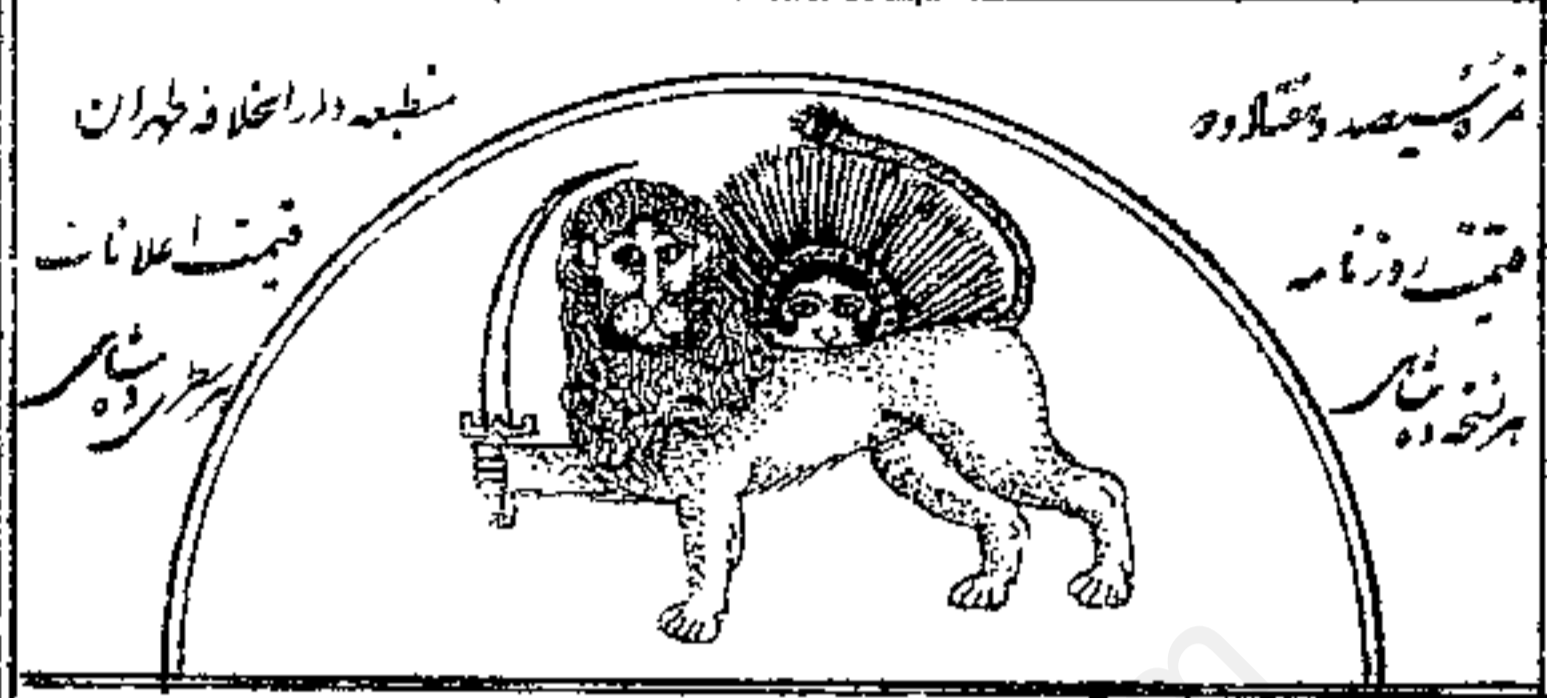
امیر تومان	میرنجه	سرتیب
—	—	—
سرنگ	پاور	نامت ایوان باقی
—	—	مرتب اول و دوم
—	—	سرتیب مثل سرتیب و
—	—	سرنگ و پاور است

زیاده ازین نباید لوکر با خود بردارند و سایر لوکران شمشیر
 هم ازین قرار موافقتشان هر یک ازین درجات که هستند
 با خود میتوانند بردارند زیاده ازین بردارند مجبورند
 لکن در کمتر مختارند

۲۳۸۶

شده است قرار مفصله م نوره فوق را از حالت تحریر لغایت ت بکماه در هیچ مالک محروسه معمول
 دارند و در وقت اذوق این آنها را محل و مشرک بگذارد چاه مقرب انخافان امیر الامار العظام عباس قلی خان سیف الملک
 میرنجه پیا بادت بکماه این خدمت را انجام داده قرار با بس چادر و لوکر هر کس از چاکران در بار چادر
 برینج مقربت که در صورت این حکم محکم را مقرب انخافان سیف الملک بیع و لایات دارد و با که قشون جمع
 و جمع سرحدات متوسط و صحاب چا پار بفرستد و اقرام عدم تخلف این حکم را باید دید و محاسبین در
 دار الحکومه و سایر مالک محروسه نامور دارد که هر یک ازین مقربان مختلف و سجا و زنا بد معروض دارد و تا
 معرض مواخذة و عتاب در آید و اگر آن مقرب انخافان نیز در اجرائی احکام مرقوم تعلق و تسامح نماید مورد مواخذ
 و عتاب قهرمانی خواهد بود و تخریفات فی شهر حرب المرحب سنه ۱۲۷۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه یوم سهرن امم العظمی سلطان سلیمان



منطقه در اختلاف طهران
قیمت اعلانات
هر خط شش

نمره سیصد و هفتاد و دو
قیمت روزنامه
هر خط ده

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

چون در بلاد او و در بعضی اعمال صنایع غریبه متداول شده که در بلاد ایران سنویشایع مذکور
گشته از جمله راه سیم موسوم بتکرافت که در آن واحد از مسافه بعیده اخبار جدید در اخبار غنی
چون استحضار و اطلاع بر آن صنایع عجیب ایضا بمحض استماع بی معاینه و ملاحظه صورت سخن
یافت بر حسب امر اقدس عالیون شاهنشاهی ادام الله ایام سلطنته مقرر شد که بر اکتساب این
و الاشا بنزاده علی قلی میرزای اعضاد سلطنته عالیجاه موسیو کرکشی منساوی میمعلم کل نو بخارزبانه
سبب لازم این عمل را دستور العمل داده بانجام برسانند در مدت قریب باقی آنچه لوازم این کار
بدقت تمام و سعی بلیغ و جهد کامل صورت تمام یافت و در طول مدرسه دار الفنون رسم کشیده در دو
طاق مقابل سبب لازم چیده شد و سخنوی که مقررات امتحان و تجربه گردید و قوه الکتریکیت بطور
آه و سحرکت آلات مطلب مسنونل رسم و ترسیم یافت و یقین پیوست که این عمل که معلم مذکور مدعی ظهور
آن شده است از قوه بفعال آورده است و در روز پنجشنبه گذشته جناب اشرف ارفع در محترم صدر اعظم
دام اقباله العالی سجنه ملاحظه و تماشای این صنعت غریبه چیده و بدرسم توجه نموده بمقتضی وقت
ملاحظه و امتحان فرمودند از اهتمام و کار دانی نواب و الاعضاد سلطنته و تصرفات و تقویت و بر
علوم مدرسه اخبار رضای خاطر نموده و معلم مذکور ملاحظه التفات کرده و عالیجاه رضای علیان ناظم مدرسه
و شبگردان یوسخی که درین کار و جنل بوده اند اکر ام و انعام تمام قطور آورده متفاوت درجات بهر

۲۴۸۷

انعام مرحمت کردند و فرمایش فرمودند که از عمارات خاصه مبارکه سلطانی تا باغ لاله را رسم تکراف کشیده شود و بعد از اتمام منظر مبارک اعلی حضرت اقدس بن علی بن شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه رسید به جانب از مالک محروسه که حکم اقدس ملوکانه و اجناس شرف اعظم صادر کرد در این رسم تکراف اخبار ساخته و کشیده شود (چون عالیجاه مقرب المحضه العلیه محمد تقی خان خالو لوله نواب شرف شاهزاده عظیم محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه طهران در ترتیب قیام در رسوم درس و مشق و انجام خدمات نواب معظم البکال مراقبت و مواظبت را عمل آورده و اینهاست عالیجاه شاره و انجام خدمات مرجوعه مقبول و محسن خاطر اولیای دولت علیه افتاده و لهذا در این اوقات یکتوب جنبه ترجمه کرمانی خوب مبارک البیخلفت مرحمت گردید و همچنین جناب آقا سید محمد معلم نیز که در درس و تعلیم نواب شرف و الا اتمام نموده بود یکتوب شال خلیل خانی هم در حق او مرحمت گردید (چون عالیجاهان میرزا علی اکبر میرزا سید کاظم و میرزا اسمعیل منرفین صند و قخانه مبارک در سحر حساب جواهر آلات خاصه و غیره صرفه جنب مبارک صند و قخانه و غیره لازمه است خود را ظاهر ساخته بودند و در این اوقات توسط جناب جلالت آت نظام الملک بهر یک یکتوب جنبه کرمانی اعلی خلفت مرحمت گردید و میرزا عبدالعزیز مستوفی خاصه حسب الامر آنها را سخاکای مبارک شرفیاب ساخته مورد عنایت گردیدند) (امور قورخانه و جنبه خانه مبارک از هر جنبه کمال انتظام را دارد و آلات و اسباب حجیه که اولیای دولت قاهره در اول این سال دستور العمل عالیجاه میرزا حسین سررشته دار قورخانه داده بودند که در قورخانه و جنبه خانه مبارک ساخته شود و جمیعاً را خوب و پاکیزه ساخته و عمده برآمده است و توپ و چپا سنج و بار و طبل و تفنگهایی که درین سال من باب توجه و مواظبت اولیای دولت قاهره ساخته شد بهیچ وجه و دخلی بجهای مستواه قبل ندارد و کلاً ممتاز و پاکیزه ساخته شده است و همچنین از قبیل فشنگ و متاب و طوق و ماسوره و نارنجک و فالتقه و قورخانه غیره با المصاعف از مستواه قبل ساخته شده و کلاً را خوب ساخته اند و با نتیجه که عالیجاهان از عهد خدمات فخره بخود بخوبی برآمده اولیای دولت قاهره در حق او کمال مرحمت را دارند

۲۴۸۸

فروین

از قورخانه در روزنامه قزوین نوشته اند امور الولايات از حسن مراقبت نواب سلطان شاهزاده والا بن عبدالصمد میرزا حکمران قزوین قریب انتظام است و مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین در رعایت شرفیابی در بار معدلت مدارج یون عالیجاه تقی خان را بنیابت خود